شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول وسردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

ضربه رمزارزها به بازار زرگرها

روزنامه شهرامیدوزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۱۱ ۱۲ ۹۹
۲شنبه
۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه+۴ صفحه ورزشی
۱۶ صفحه شهرآرا محله+۴ صفحه شهربانو
شماره ۳۳۳۵ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

حدیث‌روز

منگر گوینده گیست، بنگر گفتارش چیست.

امام‌علی(ع)

رطوبت هوا ۲۳٪ ↓ ۶° ↑ ۱۹°

صبح ۳ | ظهر ۱۷ | عصر ۱۳ | شب ۹

- اذان ظهر ۱۱:۴۳:۴۹
- غروب آفتاب ۱۷:۲۶:۰۸
- اذان مغرب ۱۷:۴۴:۲۸
- نیمه شب شرعی ۲۳:۰۱:۵۱
- اذان صبح فردا ۰۴:۳۶:۱۵
- طلوع آفتاب فردا ۰۶:۰۰:۰۹

مستبد محبوب شمالی‌ها و جنوبی‌ها

ادامه یادداشت روز از صفحه ۱

فریدون صدیقی
استاد روزنامه‌نگاری

...درست همین طور است، اما به هرحال تنها بودن و تنها زیستن و فقط با خود سر کردن، عین بیدلی است و بی‌دل بودن درحالی که دلبندی گو هر وجودی انسان است، برای پدر و مادرهایی مانند من و ما، غم‌افزون بر نگرانی‌های بی‌شمار دیگر است.

راست این است که آرزو مربوط به دوران جوانی است نه میان‌سالی و بعد از آنکه احتمالا به بیشتر آرزوها باید دست یافت، پس آقای شاداب‌تر از شمشاد وشما خانم سروناز! تا پیش از فراموش کردن آرزوهایتان ازدواج کنید و سن ازدواج را بالا و بالاتر نبرید. همین جا باید به دختران و پسران گرامی استان‌های شمالی و جنوبی خراسان رضوی تبریک گفت که در جایگاه پایین‌ترین میانگین سن ازدواج در کل کشور قرار دارند و عاشقانه گوش به فرمان استبداد دلبندی داده‌اند.

میانگین پایین‌ترین سن ازدواج در کل کشور: خراسان شمالی؛ دختران (۲۲/۷ سال)، پسران (۲۷/۹ سال)

میانگین پایین‌ترین سن ازدواج در کل کشور: خراسان جنوبی؛ دختران (۲۲/۵ سال)، پسران (۲۷/۳ سال)

نکته دوم: در پایین‌ترین میانگین سن ازدواج در کل کشور، در کنار استان‌های شمالی و جنوبی خراسان، دختران و پسران استان‌های زنجان، سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان و گلستان هم حضور دارند. جای دختران و پسران سلحشور خراسان رضوی نه در بالاترین و نه در پایین‌ترین است، بلکه بین هر دو قرار دارد و البته مطابق معمول، میانگین بالاترین سن ازدواج متعلق به تهران (مردان ۳۲ سال، زنان ۲۸ سال) است.

مبارک است و امیدواریم برخی مجردها تا کارشان به سپیدی شقیقه‌ها نرسیده است، خود را زیر چتر کانون گرم خانواده قرار دهند؛ چون هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جای دل به دلی‌های عمیق را بگیرد. گربه‌داری و سگ‌داری و قناری و طوطی‌داری معدودی از جوان‌ها، نامش سرگردانی در غیاب نفس‌های جان‌بخش همدل، همراه و هم‌سخن و هم‌نفس محبوب است. می‌دانم در روزگار سنگ و سرد بیکاری، گرانی و گونه‌های نوبه‌نوی کرونا بحث عاشقی و ازدواج، موضوعیت ندارد اما تردید ندارم شما هم با من موافق هستید که والاترین فضیلت انسان، دلبندی و عاشقی است، پس فرمانبری از این مستبد دلنواز، عین رهایی است.

کاش من فرزند ازدواج نکرده‌ای داشتم تا به او می‌گفتم که باید عاشق شد و رفت! کاش مسئولان دلسوز، کاری می‌کردند در تامین آسایش و آرامش جوانان معصوم تا آنان بدون هزار و یک دغدغه، عاشقانه ازدواج را در آغوش بگیرند!

طغیانگری از طبقه کارگر علیه ماشین

نگاهی به زندگی دیوید هربرت لارنس به بهانه درگذشتش

ریحانه صادقی | مترجم

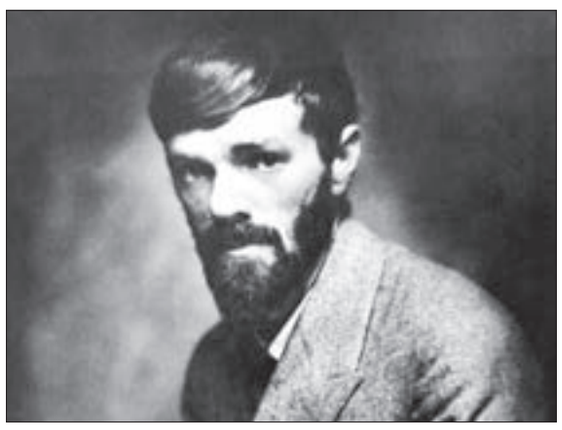

ترجمان

دیوید هربرت لارنس یا آن‌طور که بیشتر مردم او را می‌شناسند، دی‌اچ لارنس اولین نویسنده‌ای بود که در واقع به طبقه متوسط انگلستان تعلق داشت. مادرش زمانی معلم مدرسه بود و پدرش کارگر معدن. او در شهر کوچکی به نام ایست وود در شهرستان ناتینگهام‌شایر، زاده شد که بخشی از میدلندز (سرزمین میانی) است.

لارنس اولین رمانش با عنوان «طاووس سپید» را در سال ۱۹۱۱ نوشت. او در نگارش این رمان، بسیار از محل تولد خود الهام گرفته بود. لارنس در کنار رمان، به شعر گفتن، نقاشی و نوشتن داستان کوتاه و مقاله هم می‌پرداخت. او همچنین به سفر کردن (به اروپا، مکزیک و استرالیا) علاقه بسیار داشت، با این حال همیشه از ناتینگهام‌شایر به عنوان «شهری که در قلبم جای دارد» یاد می‌کرد.

یکی از المان‌های پرتکرار در آثار لارنس، زوج‌هایی هستند که همیشه در حال مشاجره‌اند. به نظر می‌رسد منتقدان آثار او نیز دچار طلسمی مشابه این زوج‌ها می‌شوند. نظرهای متفاوتی درباره او وجود دارد؛ برخی از او تنفر دارند و برخی به او عشق می‌ورزند و برخی هر دو احساس را به او دارند، اما اگر آن‌طور که اسکار وایلد (شاعر و نمایشنامه‌نویس ایرلندی) می‌گوید «وقتی منتقدان درباره هنرمندی اتفاق‌نظر نداشته باشند، یعنی او کارش را درست انجام داده است» حقیقت داشته باشد، پس دی‌اچ لارنس را باید یکی از نویسندگان کاردرست همه دوران‌ها دانست.

در دهه‌های ابتدایی پس از جنگ جهانی دوم، لارنس یک قهرمان فرهنگی محسوب می‌شد؛ اندیشمندی که از طبقه کارگر برخاسته بود. علیه زیست ماشینی شده بشر قد علم کرده بود. اما او هرگز نتوانست در بین نویسندگان دوره مدرن جایی بیابد. او که میانه‌ای با رویکرد صرفا زیبایی‌شناسانه این نویسندگان نداشت، راه خود را از آن‌ها جدا و تأکید کرد که دغدغه اصلی او انسان و زندگی اوست.

زبان و صدای لارنس بسیار منحصر به فرد است. او گاهی همچون دوستی سرزنده، مردانه و آتشین‌مزاج ظاهر می‌شود و گاهی در هیبت دختری نوجوان، قضاوتگر و دمدمی است. نوشته‌های لارنس همواره در بین دو حالت «خودمانی و حماسی» در رفت‌وآمد هستند. این ویژگی او را می‌توان هم در آثار کوتاه و بلندش یافت، هم در نامه‌های شخصی‌اش. یکی از چیزهایی که دوره زندگی لارنس را به زندگی اکنون ما پیوند می‌دهد، این است که او نیز همچون ما در دوران یک همه‌گیری جهانی مرگبار زیسته است؛ آنفلوآنزای اسپانیایی. در نامه‌ای به تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۱۸ به دوستی ناشناس، او از اضطراب عمیقی می‌نویسد که زندگی در لندن بیمار در وجودش برمی‌انگیزد. او شهر را همچون «تله راستین مرگ» توصیف می‌کند که در چنگال «ویروسی شوم» قرار گرفته است. وی می‌نویسد: «هوا کثیف است و بوی مرگ می‌دهد و میدلندز را ترس مرگ فرا گرفته است.»

منبع: لایف تراول زن

عکس روز

لبخند امید کودکان در زمین‌های محرومیت

روزی که مدیران استانی و شهری از شهرک شهید باهنر مشهد بازدید و برای ساکنان، چاره‌جویی کردند

عکس: محمدحسن صلواتی | فوتوشهر

کاریکاتور شهر

علیرضا پاکدل

پای جادوگری به فوتبال زنان هم باز شد!

کیوسک

لونیون

عکاس خبری شصت و پنج ساله روزنامه منطقه‌ای «لونیون» فرانسه روز شنبه در شهر رنس به دست گروهی از جوانان، هدف لت و کوب قرار گرفت و به شدت زخمی شد و پس از این اتفاق، به بیمارستان منتقل شد. این خبرنگار درحالی هدف حمله عمدی افراد ناشناس قرار گرفت که درحال پوشش حضور گروه‌هایی از جوانان در یکی از محله‌های حساس شهر رنس با نام «صلیب سرخ» بود و برخی از این جوانان با چوب بیس‌بال به او حمله کردند. «لونیون» در اقدامی، تیتر نخست روز گذشته خود را به این موضوع اختصاص داد و نوشت: «عکاس ما در حین گزارش بی‌رحمانه هدف حمله قرار گرفت.»

گاردین

بیش از دو سال از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار عربستانی، در ترکیه می‌گذرد. منابع ترکیه‌ای همان زمان اعلام کردند که ارزیابی اولیه پلیس ترکیه نشان می‌دهد جمال خاشقجی در کنسولگری عربستان در استانبول به قتل رسیده است، با این حال مقامات عربستان این ادعا را تکذیب کردند. در این راستا، گاردین در آخرین شماره، تیتر نخست خود را به این موضوع اختصاص داده و نوشته است: «ولیعهد عربستان؛ عامل قتل جمال خاشقجی»

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصرشهرآرا کد را اسکن کنید

تاریخ‌نگار

۱۱ اسفند ۱۳۶۹

رحلت عالم وارسته آیت‌ا... «حسن نوری همدانی»

آیت‌ا... میرزا حسن نوری همدانی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در یکی از روستاهای اطراف همدان به دنیا آمد و پس از آنکه دوره مقدماتی علوم را نزد پدر فراگرفت، سطوح عالیه را در محضر آخوند ملاعلی همدانی آموخت. وی سپس در بیست سالگی برای فراگیری مدارج عالی علوم اسلامی، در حلقه درس خارج استادان نامداری همچون آیات عظام سیدحسین بروجردی، سیدمحمد محقق داماد، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی قرار گرفت و علم اصول، فقه، تهذیب نفس و فلسفه را آموخت.

آیت‌ا... نوری همدانی در سال ۱۳۳۷ درحالی که سلطه ننگین استبداد پهلوی بر جامعه اسلامی ایران حکم‌فرما بود و مبارزه همه جانبه اسلام‌خواهان روز به روز گسترش می‌یافت، اقدام به تاسیس انجمن‌های اسلامی قم، با نام مکتب ولی عصر (عج) کرد و تشکلی ارزشمند از جوانان مسلمان برای آشنا ساختن آنان با مبانی دین به وجود آورد.

در واقع آن مجموعه، کانون مبارزه با التقاط، کفر و محل تحقیق و تبیین مفاهیم دینی بود. پس از مدتی آیت‌ا... نوری را ساواک بازداشت کرد و این مرکز را پس از ۱۸ سال فعالیت، در سال ۱۳۵۵ رژیم پهلوی تعطیل کرد.

این روحانی مجاهد، پس از انقلاب به فرمان امام خمینی (ره) برای تبلیغ و هدایت نیروهای مسلمان ساکن انگلستان به آنجا اعزام شد و به وظایف دینی و انقلابی خود عمل کرد.

آیت‌ا... نوری علاوه بر توانایی در فن خطابه و هنر شعر و خوشنویسی، آثاری را به رشته تحریر درآورد که پیروزی در سایه شکست، توضیح المسائل و مجموعه آثار از آن جمله‌اند. سرانجام این یار وفادار امام و انقلاب در یازدهم اسفند ۱۳۶۹ خورشیدی به هنگام سفر تبلیغی به سیرجان، بر اثر تصادف در شصت و هفت سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستاری

پرسش

چک‌نویس یعنی چه؟ به نظر باید به جای «چک» کلمه‌ای دیگر بنویسیم. چون «چک» در اینجا نامفهوم است.

پاسخ

چک‌نویس: برات‌نویس، قباله‌نویس

چرک‌نویس: پیش‌نویس، یادداشت غیرمستند

«چک‌نویس» همان گونه که از نامش مشخص است مربوط به بحث تجارت و بازرگانی (چک، برات، سفته و...) و مسائلی از این قبیل است. «چرک‌نویس» مربوط به نوشته‌ای است که پیش از نوشته اصلی انجام شده است. پس از پایان اصلاحات و بازبینی و باز خوانی به آن پاک‌نویس می‌گویند. بنابراین می‌توان گفت برگه یا صفحه نخست را «چرک‌نویس» و برگه یا صفحه دوم را «پاک‌نویس» گویند. اما بهتر آن است که بنویسیم: «پیش‌نویس».

#زین_قند_پارسی

نگاه هشتم

ریال کارگری و ریال کارمندی فرق می‌کند آیا؟

غلامرضا بنی‌اسدی

گفتم بازنشسته کارگری هستم، حتی دفترچه تامین اجتماعی را که کارت کانون بازنشستگی هم لای آن بود، روی پیشخوان قرار دادم اما فروشنده یک ریال هم کم نکرد. درست همان مبلغی را از من گرفت که از نفر جلویی که بازنشسته دولتی بود، گرفت و نفر جلوتر که بازنشسته نیروهای مسلح و جلوتری که قاضی بازنشسته بود. اصلا هم به این توضیح که افزایش مستمری من یک سوم کارمند و یک چهارم لشکری و یک هشتم قاضی است توجه نکرد. گفت: «مگر قیمت کالا فرق می‌کند که به تعریف ایستاده‌ای برای من؟ همه این‌ها را به یک قیمت خریده‌ام و به همه با یک قیمت می‌فروشم. به من چه که تو چقدر می‌گیری و فلانی چقدر؟»

توی ذوقم خورد، والا برایش می‌گفتم که من بازنشسته مشاغل سخت و زیان‌آورم که نسبت به بازنشسته‌های کارگری هم یک سوم کمتر می‌گیرم اما چنان توی ذوقم زد که خریدنکرده از مغازه خارج شدم. یک چیز دیگر هم اگر وقت می‌کردم، به او می‌گفتم؛ اینکه مسئولان تامین اجتماعی وعده فرموده‌اند که به بازنشستگان مشاغل سخت و زیان‌آور هم لطف فرمایند و همه سنوات‌شان را در نظر بگیرند اما تا امروز خبری نیست.

شاید یادشان رفته است. خب این هم نه مسئله آقای فروشنده است و نه مشکل مسئولان. ما هم که از اول در حساب نیامده‌ایم که مشکلمان بخواهد حضرات را به زحمت بیندازد. با این همه من هم به او شک کردم و هم به خودم. به صحت تصمیم و تدبیر مسئولان که تردید روا نیست.

حتما ارزش پولی که به کارگر می‌دهند، بیشتر از حقوق کشوری و لشکری و قضایی و هیئت علمی است، والا از مسئولان به دور است که بخواهند تبعیض قائل بشوند! حتما ما اشتباه می‌کنیم و حالمان چنان خوش است که توهم زده‌ایم و در شرایطی که همه چیز عالی است، «مشکل پنداری» می‌کنیم، حال آنکه همه چیز درست است و خیلی خوشبختیم ما، فقط خودمان خبر نداریم.